روی موج کوتاه

آمریکا اعلام کرد، سپاه واکنش نشان داد؛

توقیف یک نفتکش توسط ایران در نزدیکی تنگه هرمز

خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از یک مقام مسئول در وزارت جنگ امریکا نوشت: ایران یک نفتکش را در نزدیکی تنگه هرمز، توقیف کرد. به گزارش عصر ایران، شرکت امنیت دریایی امپری بریتانیا روز جمعه اعلام کرد، یک نفتکش در نزدیکی ساحل امارات بعد از نزدیک شدن قایق‌های کوچک به آن، به سمت ایران حرکت کرد. امپری ادامه داد: نفتکش در فاصله حدود ۲۲ مایل دریایی شرق بندر خورفکان امارات بود. هنگام عبور از جنوب تنگه هرمز، سه قایق کوچک به آن نزدیک شدند و بعد از آن به سمت خلیج عمان منحرف شد. سپاه پاسداران در واکنش به توقیف کشتی تالار در دریای عمان در شبکه ایکس نوشت: «فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ/ پس هر که بر شما تعدّی کرد، شما هم به مثل آن بر او تعدّی کنید.»

نماینده بجنورد در مجلس:

برداشتن و برنداشتن فیلترینگ هیچ فرقی برای مردم ندارد

نماینده بجنورد در مجلس گفت: فیلترینگ آسیب‌های بی‌شماری از نظر روانی به جامعه ایران وارد کرد و الان برداشتن یا برنداشتن آن برای مردم خیلی مهم نیست؛ خیلی دیر شده است. محمدمهدی شهریاری، در گفت‌وگو با آوش؛ افزود: رئیس جمهور در زمان انتخابات قول رفع فیلترینگ داد اما به قول بعضی‌ها در حال حاضر ارزشِ برداشتن و بر نداشتنِ آن هیچ فرقی برای مردم ندارد. مردم خیلی راحت از فیلترشکن‌ها و پروکسی‌ها استفاده می‌کنند بنابراین تاثیری برای آنها ندارد. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، خاطرنشان کرد: آقایِ پزشکیان باید بلافاصله بعد از اینکه رأی آورد در اولین اقدام همین قول‌هایی که انجام دادن آن خیلی ساده بود را پیگیری می‌کرد. تورم و مذاکره پیچیده است ولی قول‌هایی مانند رفع فیلتر راحت‌تر انجام می‌شود.

سازمان جاسوسی کانادا ادعا کرد

خنثی‌سازی چندین «تهدید بالقوه مرگبار» از سوی ایران

رئیس سرویس امنیت اطلاعات کانادا مدعی شد که این نهاد در سال جاری چندین «تهدید بالقوه مرگبار» از سوی ایران را خنثی کرده است. به گزارش ایسنا، «دن راجرز» در سخنرانی هنگام ارائه گزارش سالانه درباره چالش‌های امنیتی کانادا مدعی شد: «ما طی یک سال گذشته در مواردی بسیار نگران کننده‌ای شدیم عملیات خود را برای مقابله با اقدامات سرویس‌های اطلاعاتی ایران و نیروهای نیابتی آن‌ها که افراد در کانادا را هدف قرار داده بودند، در اولویت قرار دهیم.» وی در ادامه ادعا کرد: «در بیش از یک مورد، این شامل شناسایی، تحقیق و مختل کردن تهدیدات بالقوه مرگبار علیه افراد در کانادا بود.»

عراقچی در واکنش به اعلام نتایج انتخابات پارلمانی این کشور:

ایران مصمم به تقویت روابط دوستانه خود با عراق است

وزیر امور خارجه در واکنش به اعلام نتایج انتخابات پارلمانی عراق، گفت: جمهوری اسلامی ایران مصمم است روابط دوستانه خود را با عراق در تمامی حوزه‌های مورد علاقه دو طرف بیش از پیش تقویت کند. به گزارش ایلنا، عباس عراقچی در ایکس نوشت: تبریک به ملت و دولت برادر عراق بابت مدیریت موفق یک انتخابات پارلمانیِ امن و آرام. این انتخابات گامی مهم در جهت تحکیم روند مردم‌سالاری در عراق و پاسداری از حاکمیت و امنیت این کشور بود.

ادعای نتانیاهو:

در ایران به اهداف خود رسیدیم و جنگ تمام شد

نخست وزیر رژیم اسرائیل ادعا کرد: «ما اهداف بسیار روشنی داشتیم: سایت‌های هسته‌ای، سایت‌های تولید موشک و چند هدف دیگر. وقتی به این اهداف دست یافتیم، جنگ تمام شد.» به گزارش ایسنا، «بنیامین نتانیاهو»، در مصاحبه‌ای که توسط تایمز اسرائیل منتشر شد، انکار کرد که واشنگتن مانع از پایان جنگ اسرائیل علیه ایران در ژوئن گذشته شده است. او افزود: «فقط یک حمله دیگر ممکن بود و تمام. اینطور نبود که ما متوقف شده باشیم یا اینکه قصد انجام کاری را که می‌خواستیم نداشته باشیم.»

درخواست علم‌الهدی برای محدودیت‌های بیشتر:

تولید محتوا در فضای مجازی نباید آزاد گذاشته شود

امام جمعه مشهد گفت: تولید محتوا در فضای مجازی نباید آزاد گذاشته شود؛ انتشار کلیپ‌های هنجارشکنانه که در فضای مجازی منتشر می‌شود از آزادی دزدها و قاتلین در کشور بدتر است. سید احمد علم‌الهدی در خطبه سیاسی این هفته در ادامه به فیلم‌ها و رسانه‌های خانگی اشاره کرد و گفت: متأسفانه در بعضی از این محتواها آموزش دخانیات و مصرف مشروبات الکلی به خانواده‌ها داده می‌شود؛ عدم رعایت محرم از نامحرم‌ها و پرده‌برداری از اتاق خواب‌ها در این سریال‌های خانگی در مقابل چشم جوان و نوجوانی که در بحران غریزه جنسی است، آیا خطر و جنایتی بدتر از این نسبت به جوان هست؟ وی با بیان اینکه این موارد اسمش آزادی نیست، تأکید کرد: ما بایستی با مسئله بی‌حجابی مبارزه کنیم، امروز بی‌حجابی به برهنگی رسیده است، مسئله فرهنگی ما متأسفانه در این وضعیت است لذا باید همه نسبت به آن مسئول باشند.

احمد خاتمی در مورد عدم بارش باران:

وقتی گروهی معصیت کنند، خداوند بارانش را می‌گیرد

امام جمعه موقت تهران با اشاره به کاهش بی‌سابقه باران در ایران در ۵۸ سال اخیر، گفت: بنابر برخی روایات، وقتی گروهی معصیت کنند خداوند بارانش را می‌گیرد، پس گناه اثر دارد و باید رو به خدا بیاورید. به گزارش ایسنا، احمد خاتمی در خطبه‌های نماز جمعه این هفته تهران، ادامه داد: در این وضعیت گناه اثر دارد که نمونه آن کفران نعمت است. خداوند نعمت جمهوری اسلامی را داده و باید تشکر کرد. زور به مردم گفته نشده و حق مردم داده شود و کم فروشی و گران فروشی و ترک امر به معروف و نهی از منکر صورت نگیرد.

حضور «سقاب اصفهانی» در دولت، استحاله دوباره «کابینه» و «کوچک‌سازی» در سهم‌خواهی‌هاست

مدیریت راهبری انرژی یا بهینه‌سازی وفاق؟!

کیا مقدم

مسعود پزشکیان، رئیس دولت چهاردهم، برآمده از انتخاباتی خاص، دولت خود را «دولت وفاق ملی» نامید؛ نام‌گذاری‌ای که قرار بود لولایی باشد میان ملت و حاکمیت، و راهبردی برای گسترش پهنه وحدت و اجماع‌سازی در برابر بحران‌های انباشته. اما اکنون، با گذشت بیش از یک سال از عمر این دولت، آنچه به ادراک عمومی رسیده، نه وفاق، بلکه «سهم‌دهی و انفعال» در برابر جریان‌هایی است که اکثریت ملت به آن‌ها «نه» گفته بودند. انتصاب‌های اخیر، به‌ویژه در سطوح عالی مدیریتی، که اغلب فاقد سابقه مرتبط و منتسب به رقبای دیرین دولت هستند، نه تنها یکپارچگی کابینه را زیر سوال برده، بلکه این پرسش جدی را مطرح کرده است؛ آیا دولت، به ابزاری برای هموار کردن مسیر راست‌های افراطی و تثبیت قدرت رقیب بدل شده است؟

انتصاب سقاب اصفهانی؛ نماد تحمیل وزور

هیچ انتصابی به اندازه حکم مسعود پزشکیان برای اسماعیل سقاب اصفهانی، به عنوان معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان تازه‌تأسیس «بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی»، عمق بحران شایسته‌سالاری و تناقض درونی دولت را آشکار نمی‌سازد. فردی که بدون «یک روز سابقه و بدون یک خط کارنامه‌ی مرتبط»، صرفاً به دلیل انتساب به ستاد انتخاباتی رقیب تندرو (سعید جلیلی) و جبهه پایداری، به یکی از حساس‌ترین پست‌های مدیریتی گمارده می‌شود.

ناظران سیاسی این انتصاب را نه در راستای بهینه‌سازی مصرف انرژی، بلکه تلاشی برای «بهینه‌سازی وفاق» جهت حفظ قدرت و جلوگیری از تنش‌های بیشتر با جریان‌های تندرو تفسیر می‌کنند. این اقدام، از سوی جامعه متخصصین با تعابیر تندی مواجه شد؛ جایی که منتقدان با لحنی کنایه‌آمیز، انتصاب سقاب را به جامعه متخصصین «تسلیت» گفتند و او را «لابی من قهاری» خواندند که توانسته بدون تخصص، از دو رئیس جمهور با گرایش‌های متفاوت حکم بگیرد.

فیاض زاهد، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، این انتصاب را «دردناک» و مصداق «کج‌تابی» دانست و نوشت: «اسم این هرچه باشد وفاق نیست. به سهم خودم شرمنده‌ام.» این واکنش‌ها نشان می‌دهد که انتصابات در دولت پزشکیان، نه بر اساس معیارهای شفاف و تخصصی، بلکه بر مبنای بده‌بستان‌های محفلی و سهم‌خواهی سیاسی بنا شده است. پیامی که این انتصاب‌ها به جامعه مخابره می‌کند، این است که در این ساختار، وفاداری و نزدیکی به کانون‌های قدرت، از شایستگی مهم‌تر است و این امر، مشروعیت سیاسی دولت را فرسایش می‌دهد.

انتصاب‌های اخیر، به‌ویژه انتصاب اسماعیل سقاب اصفهانی، به عنوان معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان تازه‌تأسیس «بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی»، بدون سابقه مرتبط و منتسب به رقیب تندرو؛ عمق بحران شایسته‌سالاری در دولت را آشکار ساخت. ناظران این اقدام را نه وفاق ملی، بلکه تلاشی برای بهینه‌سازی وفاق و باج‌دهی سیاسی به جریان‌های فشار تفسیر می‌کنند

پارادوکس کوچک‌سازی و تأسیس سازمان‌های جدید در عصر ریاضت

رئیس جمهور در سخنان اخیر خود در مجلس، بر لزوم تنظیم «بودجه بدون کسری»، «صرفه‌جویی در منابع» و «کوچک‌سازی ساختار دولت» تأکید کرد. این اعتراف تکراری به بزرگی ساختار دولت و پیامدهای اقتصادی آن (کسری بودجه مزمن، تورم و سنگینی بروکراسی)، نویدبخش یک تغییر پارادایم بود. ساختار دولت ایران به عنوان پرهزینه‌ترین دولت منطقه، با وجود ۴۰۰۰ نیرو در نهاد ریاست جمهوری (در مقایسه با ۵۰۰ نفر در کاخ سفید)، نیازمند جراحی اساسی است. اما در عمل، دولت در همان گام‌های نخست، با تأسیس «سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی»، این شعار را نقض کرد. این اقدام، در تضاد آشکار با راهبرد هوشمندسازی و اصلاح فرآیندهاست که بر ادغام دستگاه‌های موازی و حذف نهادهای تکراری تأکید دارد.

منتقدان بر این باورند که کوچک‌سازی دولت تنها به معنای کاهش فیزیکی نیست، بلکه باید از فلسفه وجودی دستگاه‌ها آغاز و به توقف موازی‌کاری‌ها منجر شود. با این حال، تأسیس سازمان جدید، نشان داد که دولت همچنان اسیر منطق «تولید ساختار» است. مادامی که هیچ اتفاق ملموسی برای حذف نهادهای موازی نیفتاده و هر انتصاب سیاسی به تأسیس یک چارت سازمانی جدید منجر می‌شود، کسری بودجه مزمن و ناکارآمدی ساختاری، همچنان بر اقتصاد کشور سایه خواهد افکند. این تناقض، نشان می‌دهد که اراده معطوف به تغییر ساختاری در دولت، یا ضعیف است یا تحت‌الشعاع ملاحظات سیاسی قرار گرفته است.

دولت پزشکیان در حالی شعار کوچک‌سازی ساختار و صرفه‌جویی در منابع را می‌دهد که با تأسیس سازمان‌های جدید، این وعده را نقض کرده و اسیر منطق «تولید ساختار» شده است. از سوی دیگر، استراتژی «وفاق» به باج‌دهی سیاسی به مجلس تبدیل شده است؛ جایی که تندروها با تهدید به استیضاح، یکپارچگی کابینه را قربانی سهم‌خواهی سیاسی می‌کنند

فشار تندروها و شکست استراتژی ثبات

استراتژی «دولت وفاق» پزشکیان، بر حفظ ثبات کابینه و پرهیز از تنش با مجلس تأکید داشت. اما واقعیت سیاسی نشان داد که این استراتژی، به بهای «باج‌دهی سیاسی» به مجلس تمام شده است. شاید انتصاب جدید هم در همین راستا تلقی شود که تندروها در مجلس هیاهو کردند و بعد یک سهم جدید از دولت گرفتند.

کارشناسان بر این باورند که اگر قرار باشد هر بار دولت برای ساکت کردن جناح مقابل باج‌دهی کند، یکپارچگی دولت در راستای اجرای اهداف ترمیمی، اصلاحات ساختاری و منفعت مردم به فراموشی سپرده می‌شود. گویا این بار هم نمایندگان مجلس، به‌ویژه طیف تندرو، با استفاده ابزاری از تهدید به استیضاح، دولت را وادار به تسلیم در برابر خواسته‌های سیاسی خود کردند.

پیشتر نیز نتیجه این فشارها، خروج اجباری چهار نفر از اعضای کلیدی و سرمایه‌های انسانی دولت بود؛ از جمله چهره‌هایی که نقش مهمی در پیروزی انتخاباتی داشتند (مانند ظریف و همتی). عملکرد ضعیف دولت در حمایت قاطع از این چهره‌ها در برابر سیاسی کاری‌های پارلمانی، اولین اشتباه راهبردی در حفظ ثبات و سرمایه‌های انسانی بود. همچنین، خروج علی طیب‌نیا به دلیل «اختلافات شدید» داخلی، نشان‌دهنده ناکامی دولت در مدیریت درونی تیم اقتصادی خود بود.

صدای منتقدان داخلی

اگر به کمی قبلتر برگردیم می‌بینیم که دولت پزشکیان، از بدو تأسیس، کوشید تا چهره‌ای متعادل از خود نشان دهد، اما در عمل، بسیاری از تصمیمات در سطحی محدود و محفلی اتخاذ شد و این دولت را به «دولت اقلیت در ظاهر وفاق‌طلب» بدل کرد. وفاق واقعی، با توزیع قدرت و اعتماد شکل می‌گیرد، نه با تقسیم پست‌ها میان جناح‌های متخاصم. این رویکرد، منجر به ناامیدی و کنار گذاشته شدن حامیان اصیل دولت شد، همان‌هایی که مردم به خاطر وعده‌هایشان به مسعود پزشکیان رای دادند. بسیاری از همراهان پروپاقرص، یا از قطار انتصابات جامانده‌اند یا در ایستگاه‌های اولیه پیاده شدند، در حالی که رقبای سیاسی و مخالفان گفتمان اصلاحی، در اضلاع و اجزای دولت جای گرفتند.

هاشمی‌طبا، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در تحلیل اشتباه راهبردی دولت می‌گوید: «صرفاً نشاندن افراد کنار یکدیگر، مسائل را حل نمی‌کند، بلکه باید «پیرامون یک محور» و گفتمان مشخص (مثلاً نحوه اداره اقتصاد) باشد. وی هشدار داد که اگر وفاق به گونه‌ای دیگر تعریف شود، نتیجه آن می‌شود که وزرا و مدیران «روز در دولت می‌نشینند بعد شب دستورشان را از جای دیگری می‌گیرند و اجرا می‌کنند؛ اما دستور رئیس جمهور را اجرا نمی‌کنند.» در یک سال گذشته، افرادی که به اسم وفاق به دولت آمده‌اند، اصلاً با دولت هماهنگ نیستند و کار خودشان را می‌کنند. این وضعیت، یکپارچگی و انسجام درونی دولت را به شدت تهدید می‌کند و عملاً کارآمدی مورد نیاز برای جامعه را از بین می‌برد.

پیروزی راست‌های افراطی بدون انتخابات

این فشارها تنها به سطح وزرا محدود نماند. در انتصابات محلی، استراتژی رفع اختلافات به پذیرش دخالت‌های غیرقانونی نمایندگان در تعیین فرمانداران و مدیران کل تبدیل شد. دبیر هیأت دولت، در توجیه این انتصابات تحت فشار، صرفاً به شعار «وفاق» استناد کرد. اما این رویه، که در تضاد آشکار با اصل شایسته‌سالاری است، مدیران شایسته را به حاشیه رانده و افراد فاقد صلاحیت را بر اساس روابط سیاسی به کار گماشته است.

انتصابات پی در پی چهره‌های اصولگرا و نزدیک به جریان قالیباف (مانند غلامحسین مظفری در خراسان رضوی) و دیگر چهره‌های هوادار دولت سایه و منتسب به دولت‌های پیشین در استانداری‌ها، نارضایتی شدید فعالان مدنی و محلی را در پی داشته است. این انتصابات، عملاً وزارت کشور را به جریان رقیب واگذار کرده و نشان می‌دهد که دولت برای حفظ بقای سیاسی خود، حاضر به پذیرش «وفاق تحمیلی» شده است.

تحلیل‌گران معتقدند در حالی که مردم با رأی دادن به پزشکیان، به دنبال «روزنه‌ای برای تغییر» بودند، اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که او بیشتر عاملی برای بهبود مشارکت بوده است. اما نتیجه نهایی، آن شده که «رقیب هم‌اکنون نیز قدرت را در دولت پزشکیان در دست دارد.» انتصاب چهره‌هایی که مستقیماً به ستادهای رقیب (جلیلی و لاریجانی) مرتبط بودند، در کنار پدیده «آقازادگی» (مانند انتصاب فرزندان موسوی لاری و عظیمی‌فر)، نشان می‌دهد که وفاق به زبان سهم‌خواهی ترجمه شده است. ابوالقاسم کریمی، معاون ستاد جلیلی، به معاونت اداری مالی نهاد ریاست جمهوری رسید و حسین افشین، مسئول تنظیم برنامه‌های ستاد لاریجانی، معاون علمی رئیس جمهور شد که اخیرا حواشی زیادی داشته است. این روند، این باور را تقویت می‌کند که دولت چهاردهم، به جای شکل دادن به آرایشی قوی برای حفاظت از کشور، در منطق و روایتی «استحاله‌ای» محصور و متوقف شده است. این استحاله، نه تنها امید به تغییر را کمرنگ کرده، بلکه جاده را برای امیدواری راست‌های افراطی هموار می‌کند.

وضعیت تعلیق و نیاز به اراده معطوف به تغییر

دولت پزشکیان در حال حاضر در «وضعیت تعلیق» قرار دارد؛ وضعیتی که در آن، فقدان تصمیم و تدبیر برای عبور از مشکلات دیده می‌شود. در تئوری تصمیم، برخی تصمیم‌ها برای به دست آوردن چیزی هستند و برخی برای از دست ندادن چیزی. اما آنچه امروز در دولت غالب است، نه تنها به دست آوردن خیر وضع موجود را تضمین نمی‌کند، بلکه با انفعال و تعلل، فرصت عبور از مصائب کنونی را نیز از بین می‌برد. تحولات با سرعت نور در حال وقوع هستند، اما تدابیر دولت با پایین‌ترین سرعت ممکن انجام می‌شود. اگر دولت چهاردهم بدون غلبه دادن روایتی مصالحه‌ای و ملی بر روایت استحاله‌ای و باندی، به کار خود ادامه دهد، با آواری از روزمره‌گی و بحران‌های موروثی مواجه خواهد شد.

وفاق استحاله‌ای و معامله باندها، راهی به جایی نمی‌برد. ایران نیازمند انسجام ملی است که حول محورهای اقتصادی و مدیریتی شکل بگیرد و نه حول تقسیم غنایم سیاسی. مادامی که دولت در دفاع از شایسته‌سالاری و حفظ یکپارچگی خود در برابر فشارهای تندروها ناتوان باشد، نه تنها سرمایه اجتماعی خود را از دست خواهد داد، بلکه زمینه را برای پیروزی نهایی همان جریانی فراهم خواهد کرد که با ابزارهای خود، به دنبال افزایش قدرت بر مسندهای اجرایی هستند. این شکست در مدیریت سیاسی و دفاع از انتصابات، آینده دولت را در هاله‌ای از ابهام قرار داده و تغییرات مکرر کابینه را به یک عامل زیان‌آور برای کشور تبدیل کرده است.

خبر

خروج رسمی برجام از دستور کار شورای حکام آژانس

پرونده ایران به پادمان محدود شد

با پایان دوره قطعنامه ۲۲۳۱، موضوع ایران از دستور کار برجامی در جلسات شورای حکام خارج شده و طبق برنامه منتشر شده از سوی دبیرخانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تنها در چارچوب توافق‌نامه‌های پادمانی پیگیری خواهد شد.

به گزارش ایرنا، دبیرخانه آژانس در پیام خود اعلام کرده است که نشست شورای حکام چهارشنبه هفته آینده (۲۸ آبان ۱۴۰۴) در وین برگزار می‌شود و مباحث آن شامل موضوعاتی نظیر عضویت کشورها، گزارش همکاری‌های فنی، ایمنی و حمل‌ونقل مواد رادیواکتیو، وضعیت راستی‌آزمایی در کره‌شمالی و سوریه، پرونده پیشرانه هسته‌ای در استرالیا و برزیل، و همچنین اجرای توافق‌نامه‌های پادمانی کشورهای عضو از جمله ایران خواهد بود.

در این دستور کار دیگر اشاره‌ای به قطعنامه ۲۲۳۱ و تعهدات برجامی نشده و نام ایران تنها در بخش توافق‌نامه پادمان آمده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد پیگیری مسائل مربوط به برجام از دستور کار شورای حکام کنار گذاشته شده است. با پایان دوره ۱۰ ساله قطعنامه ۲۲۳۱ در ۲۶ مهر ماه ۱۴۰۴، وظیفه گزارش‌دهی مدیر کل درباره اجرای تعهدات برجامی ایران خاتمه یافته و به همین دلیل، پرونده ایران در حوزه عدم اشاعه دیگر در دستور کار شورای حکام نیست.

میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در وین نیز پیش‌تر گفته بود: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از این پس فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تنها در چارچوب توافق جامع پادمان‌ها بررسی خواهد کرد. ما شاهد شرایط جدیدی پیرامون برنامه هسته‌ای ایران هستیم.

در همین حال سفرای سه کشور ایران، روسیه و چین در وین طی یک هفته گذشته دو جلسه دیپلماتیک در خصوص مسأله هسته‌ای ایران برگزار و مواضع خود را در آستانه برگزاری نشست شورای حکام هماهنگ کردند. آنها با رافائل گروسی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز دیدار و در خصوص دستور کار نشست آتی شورا تبادل نظر کردند.

گروسی در گزارش محرمانه‌ای برای اعضای شورای حکام، از ایران خواسته اجازه دسترسی به ارزیابی ذخایر اورانیوم غنی شده را فراهم کند. این درخواست در ادامه اختلافات ایران و آژانس مطرح شده که پس از حملات هوایی آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات نطنز، فردو و اصفهان در جریان جنگ ۱۲ روزه خرداد ۱۴۰۴ تشدید شد. او در این گزارش ادعا کرده است که عدم دسترسی به این مواد هسته‌ای برای پنج ماه، روند بررسی را برای مدت زمان قابل توجهی به تاخیر انداخته و تداوم دانش و اشراف آژانس در مورد موجودی‌های قبلی مواد هسته‌ای ایران را از بین برده است

این گزارش در شرایطی منتشر شده که اواخر اکتبر ۲۰۲۵، ایران، روسیه و چین در نامه‌ای مشترک به وی، به طور رسمی پایان ماموریت آژانس تحت برجام را اعلام کردند. با این حال گروسی در هفته‌های گذشته تلاش داشته تا موضوع ایران را در فضای شلوغ خبری بین‌المللی زنده نگه دارد. وی طی مصاحبه‌ای در مقر سازمان ملل تاکید کرد که ایران نه در حال توسعه سلاح هسته‌ای بوده و نه اکنون در میانه چنین برنامه‌ای قرار دارد.

مدیر کل آژانس همچنین به فایننشال تایمز گفت که ایران باید به طور جدی همکاری خود با بازرسان سازمان ملل را بهبود بخشد تا از افزایش تنش‌ها با غرب جلوگیری شود.

همکاری‌های ایران و آژانس پس از حملات غیرقانونی آمریکا و رژیم صهیونیستی و همچنین به‌موجب مصوبه مجلس شورای اسلامی، محدود شده است. هرچند در شهریور امسال یک تفاهم فنی میان ایران و آژانس برای مدیریت همکاری‌ها به دست آمد، اما اقدام ارو پا برای فعال‌سازی سازوکار پس‌گشت موجب شد تا اجرای این توافق به حالت تعلیق درآید.

جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد که مبنای همکاری با آژانس، قانون مصوب مجلس و الزامات پادمانی است. سخنگوی وزارت امور خارجه تصریح کرده که ایران عضو پی‌تی‌باقی مانده و تعامل با آژانس صرفاً در چارچوب حقوقی پادمان و با هدایت شورای عالی امنیت ملی پیش خواهد رفت.

گزارش

بررسی روند حملات نماینده ۴ درصدی تهران به دولتی‌ها؛

عارف، نوبت بعد از ظریف در لیست رسایی؟

این روزها شمشیر حمید رسایی علیه دولت و به‌ویژه محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور، از همیشه تیزتر شده است. او که پس از فشارهای فراوان توانست مانع ادامه حضور محمدجواد ظریف در کابینه چهاردهم شود، این روزها از هر تریبونی استفاده می‌کند تا جایگاه عارف را غیرقانونی جلوه داده و آن را زیر سؤال ببرد.

به گزارش خبرآنلاین، این در حالی است که مسعود پزشکیان نیز بارها در صحن مجلس و در مصاحبه‌های خود از مشورت با رهبری برای انتخاب کابینه سخن گفته و تأکید کرده است که در انتخاب مسئولان، از مراجع چهارگانه استعلام انجام می‌شود. با این وجود، رسایی قصد دارد با زیر سؤال بردن مراجع چهارگانه، خود را با حاشیه‌ها سرگرم کند.

رسایی به دنبال چه می‌گردد؟

اگرچه حمید رسایی سال گذشته نیز به حضور محمدرضا عارف در سمت معاون اولی دولت اعتراض داشت، اما شدت حملات اخیر او، به‌ویژه پس از آنکه دولت لایحه «قانون مشاغل حساس» را از مجلس استرداد کرد، قابل تأمل است. در روزهای اخیر در حالی که نمایندگان در دو نوبت صبح و بعدازظهر به بررسی نحوه اجرای سال نخست «برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران» مشغول بودند و دولتمردان نیز برای ارائه گزارش به بهارستان رفته بودند، فیلمی از مناظره رسایی با جلال رشیدی کوچی، نماینده پیشین مجلس، منتشر شد.

در این ویدیو، رسایی خطاب به عارف می‌گوید: «آقای عارف! لطفاً به مجلس نیایید. طبق قانون، جایگاه شما غیرقانونی است. نمی‌شود کیوسک یک دست‌فروش را در اهواز به‌خاطر اجرای قانون خراب کنند، اما قانون درباره شما اجرا نشود! اگر فرصت کنم، به حضور شما در مجلس اعتراض می‌کنم.»

رسایی در ادامه به مسئله تابعیت فرزند محمدرضا عارف اشاره کرده و گفته است: «در ابتدا اطمینان نداشتم که فرزند آقای عارف تابعیت خارجی دارد، اما پس از مدتی اسناد و شواهد لازم به دستم رسید و موضوع تأیید شد. حتی در گفت‌وگوهای مستقیم با خودِ آقای عارف، از جمله در مراسم ۲۲ بهمن که ایشان از پاسخ‌گویی خودداری کردند، این موضوع برای من محرز شد و پس از بررسی‌های بیشتر، مراکز امنیتی نیز آن را رسماً تأیید کردند.»

وی در بخش دیگری از اظهاراتش مدعی شد: «در گفت‌وگویی خصوصی در مجلس به آقای عارف یادآور شدم که مسئله تابعیت فرزندان، مانند ماجرای آقای ظریف، مغایر با شرایط قانونی است و حضور در مسئولیت‌های خاص را غیرقانونی می‌کند. از ایشان خواستم در صورت امکان، بالغو تابعیت موضوع را حل‌وفصل کند. اما آقای عارف گفتند: «من در کار فرزندانم دخالت نمی‌کنم» و تأکید کردند که «هرچه قانون بگوید، همان اجرا می‌شود.»

فارغ از آنکه چقدر اظهارات رسایی درباره جایگاه محمدرضا عارف درست است یا خیر، اما نیت‌خوانی او حکایت از آن دارد که رسایی تلاش دارد همان کاری که با ظریف کرد را با عارف نیز تکرار کند و با انداختن او از دولت، ضربه‌ای به بدنه دولت پزشکیان بزند. در واقع، او که از مخالفان تند دولت پزشکیان و کابینه او است و در طی این یک سال و نیم گذشته بارها به رأی‌دهندگان به پزشکیان کنایه زده است، تلاش می‌کند تا در ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۴ و با پشتیبانی طیف متبوعش، یعنی تشکل شریان و حامیان سعید جلیلی، دولت را سرگرم حواشی کرده و از مسائل اصلی چون رسیدگی به معیشت مردم و وضعیت اقتصادی پس از مکانیسم ماشه دور کند. تندروها که از اجرا نشدن قانون عفاف و حجاب، حسابی عصبانی هستند و حتی تلاششان برای به اجرای آن نتیجه نداده، با این اقدام تلاش دارند تا کمی خشم خود را خالی کنند و از سوی دیگر برای بدنه هوادار خود ژست تاثیرگذاری بگیرند.

حمید رسایی؛ سرشاخ با «اشخاص»

رفتار این روزهای رسایی، ادامه‌ی همان الگوی قدیمی اوست؛ سیاست‌مداری که اختلافات سیاسی را با هیاهو و جنجال پیش می‌برد و ترجیح می‌دهد نقش منتقد تندرا در هر صحنه‌ای ایفا کند. به بیان دیگر، این اولین بار نیست که حمید رسایی به مخالفت با یک چهره سیاسی یا مسئول ارشد کشور برمی‌خیزد. او که سابقه‌ی طولانی در این قسم اظهارنظرها دارد، در جنجال‌سازی حتی تا توهین کردن به سردار شهید سلیمانی، علی لاریجانی و محمدباقر قالیباف نیز پیش رفته است. به عبارت دیگر، رسایی انگار عادت دارد تا با حملات تند و تیز به مخالفانش و با استراتژی فشار و تکرار، به مقصودش برسد.

چنان که رسایی سهم زیادی در خروج محمدجواد ظریف از کابینه‌ی دولت چهاردهم دارد. او که دل خوشی از ظریف به دلیل برجام و مذاکرات ایران و آمریکا ندارد، سال گذشته بیشتر وقت خود را چه در مجلس و چه حتی در شبکه‌های اجتماعی‌اش صرف تذکر به ظریف کرده بود. هجمه‌های او و هم‌قطارانش به ظریف آن‌قدر شدت پیدا کرد که در نهایت معاون راهبردی رئیس جمهوری را مجبور به استعفا کردند.

یا حتی در جریان انتخابات مجلس دوازدهم، در حالی که رهبر انقلاب به‌صراحت به کاندیداهای انتخابات تذکر داده و گفته بودند: «منتخبان مجلس جدید مراقبت کنند و نگذارند شیرینی تشکیل مجلس در کام مردم و فضای سیاسیِ باطراوتِ کشور تلخ شود، ضمن اینکه اگر مجلس دچار دعوا و ستیزه و مقابله و جبهه‌بندی‌های گوناگون شود، از کار اصلی خود باز می‌ماند»، رسایی با حضور در رسانه ملی، ادعاهایی را علیه قالیباف مطرح کرد که با خشم اصولگرایان مواجه شد. همین اقدامات و از سوی دیگر حواشی مانند «سیسمونی گیت»، عملکرد مجلس یازدهم و حتی ادعای رائفی‌پور درباره‌ی رشوه ۱۴۰ سکه‌ی طلا از دلایل مهم در برای ریختن آرای قالیباف شد. اما جدای از ریزش آرای قالیباف، آنچه در اظهارات رسایی حائز اهمیت بود، بی‌توجهی به بیانات رهبری بود که اصولگرایان بارها بر آن تأکید کردند.

او حتی بیش از این هم پای خود را فراتر از حد گذاشته بود و در سال ۹۷، پس از آنکه سردار سلیمانی از مواضع حسن روحانی تقدیر کرده بود، در توئیتی با هشتگ «قاسم سلیمانی» نوشت: «به تاریخ که نگاه می‌کنم، امثال اشعث کندی و ابوموسی اشعری یک عمر به امام علی خون دل دادند. یکی، دو بار هم در حرف و نه در عمل، مواضع درست داشتند، اما مالک اشتر برای دست‌بوسی از آنها دستپاچه نشد.»

در نهایت، آنچه رفتار و گفتار حمید رسایی نشان می‌دهد حاکی از آن است که او اهداف و مقاصد سیاسی خود را پشت کلماتی چون قانون، دور زدن قانون و حتی شفافیت پنهان کرده و با بازی کلمات و فشار می‌خواهد خواست هم‌قطارانش را به سیاسیون اعمال کند؛ به عبارت دیگر او جزئی از یک برنامه حساب شده برای زدن چهره‌های میانه‌رو در دولت مسعود پزشکیان است و هر چند وقت یکبار به عنوان بازیکن یا رکوب یکی از اعضای دولت وارد میدان می‌شود و مدتی را متمرکز بر سوژه مدنظر بازی می‌کند.

در واقع، رسایی هم مانند دیگر هم‌طیفان سیاسی‌اش، استراتژی خود را بر پایه‌ی جنجال‌آفرینی، فشار رسانه‌ای و شخصی‌سازی اختلافات سیاسی بنا کرده است. او که در ظاهر از قانون سخن می‌گوید، در عمل با زیر سؤال بردن نهادهای رسمی و بی‌اعتبار جلوه دادن تصمیمات مراجع ذی‌صلاح، خود را در جایگاه قاضی و ناظر نظام قرار می‌دهد تا صحنه سیاست به میدان تقابل و تخریب تبدیل شود.